



۱۴

در دوران شیوع کووید-۱۹ و رواج ضد عفونی کردن چطور با پوستمان مهربان باشیم؟

## کرونا پوست تان را نکند!

## گفتند چرا کارکنان کم هستند؟!

۱۵



۲ روایت از زندگی‌هایی که برای ادامه داشتن نیاز به کمک شما دارند

## زندگی‌های پشت پنجره

# زندگی

چهارشنبه :: ۲۵ تیر ۱۳۹۹ :: شماره ۵۷۰۶



۱۶

# ۱۳ جامه



info@amejamdaily.ir

روابط عمومی: ۲۲۲۶۱۴۲

### #بانک-مسکن

قاسمی از تهران:

سیستم بانکی بانک مسکن روزانه چند ساعت قطع و طبق گفته کارمندان این بانک فقط بین ساعت‌های ۱۰ تا ۱۲ وصل است. چرا؟

### #انتظار-از-مجلس

شهرودی از تهران:

مردم از مجلس جدید انتظار عدالت در تقسیم بیت‌المال با ایجاد ریل‌گذاری و قانون جامع برای رفع نیاز عموم مردم دارد.

### #پلمپ-فوری

سعیدی از شیراز:

چرا ساختمان‌های فاقد امنیت و ایمنی کامل فوری پلمپ نمی‌شوند و فقط به خطرهای مکرر توسط نهادهای مختلف بسنده می‌شود؟

### #قدرت-خرید

بلقار از تهران:

قدرت خرید مردم روز به روز درحال کاهش است و هیچ کاری توسط دولت برای حمایت از مردم انجام نمی‌گیرد.

### #طرح-مسکن-ملی

رضایی از تهران:

طرح مسکن ملی به کندی در حال اجراست و با این روند به نظر می‌رسد تا چند سال دیگر نیز این پروژه به پایان نمی‌رسد.

### #کرایه-نجومی

محمدی از تهران:

افزایش کرایه‌های ناوگان حمل و نقل شهری نجومی شده است هیچ ملاک و معیاری هم ندارد. طی یک ماه یک مسیر بیش از دو و نیم برابر افزایش قیمت داشته است و صدای مسافر هم به گوش هیچ کس نمی‌رسد.

### جوابیه

در پی درج پیامی در روز شنبه مورخ ۱۳۹۹/۰۴/۰۲ با عنوان «روشن کردن آتش روی جهنم‌های پارک‌ها» مدیرعامل سازمان بوستان‌ها و فضای سبز شهر تهران با ارسال نمایی از اعلام کرد: در جوامع شهری و شهرنشینی، مسؤولیت پذیری و حفظ فضای سبز توسط شهروندان محترم همواره از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. بدیهی است شهرداری تهران ضمن اعلام آمادگی و جهت هم‌افزایی علمی و فرهنگی موضوعات مرتبط با مسائل زیست‌محیطی، از پیشنهاد‌های سازنده شهروندان محترم در این زمینه استقبال می‌کند.



محمد حسین خودکار

جامعه

دوپایش را به سختی روی زمین می‌کشد. از در شیشه‌ای ساختمان اصلی بهزیستی خارج می‌شود و روی اولین سکویی که در خیابان پیدا می‌کند، می‌نشیند. نفس نفس می‌زند، ماسک به صورت زده و نفس کشیدن برایش دشوار شده. می‌گوید قهرمان پرتاب نیزه است و یکی از پاهایش احتیاج به عمل دارد و آمده بهزیستی تا از آنها مجوز بستری در بیمارستان میلاد تهران را بگیرد. چهار روز است که می‌آید و می‌رود. داخل سازمان جوابش کرده و گفته‌اند برای حل مشکلتش باید به مرکز پذیرش و هماهنگی گروه‌های هدف سازمان بهزیستی برود. جایی که البته در کوچه کناری محل اصلی سازمان قرار دارد، اما همین چهار قدم راه برای کسی که پای برای رفتن ندارد، مثل فرسنگ‌ها فاصله می‌ماند. به سختی خودش را از روی سکو بلند می‌کند و این فاصله دور نزدیک را می‌پیماید و بعد از کمی پرس و جو به پشت پنجره یکی از اتاق‌های مرکز پذیرش هدایت می‌شود. اتفاقی که البته مسؤولش در آن رابسته و رفته و هیچ‌کس نیست که به دره او رسیدگی کند. ما هم در روزی که در تقویم رسمی کشور به عنوان روز ملی بهزیستی ثبت شده است، پی او و دیگر مددجویان بهزیستی را که برای حل مشکلات کوچک و بزرگشان به سازمان بهزیستی کشور آمده‌اند، می‌گیریم تا ببینیم در این سازمان مشکلات این قشر ضعیف چطور پیگیری می‌شود.

الان مهم‌ترین درخواست ما از بهزیستی همین است که این قدر ما را از راه‌آهن تا اینجا نکشاند و برای من و بچه‌هایم بلیت بخرند و یک خرج تورهایی هم به ما بدهند که بتوانیم نان خشکی بخوریم. وگرنه ما که هیچ وقت چیز زیادی از بهزیستی نخواستیم و همین مستمری ماهانه مان هم که پارسال ۳۸۰ هزار تومان بود، امسال ۲۸۵ هزار تومان شده است. البته یکی از دخترهایم شوهر کرده و می‌گویند چون او دیگر جزو خانواده ما نیست، مستمراش را قطع کرده‌اند. سیگار کشیدن دو پسر بزرگ‌تر که تمام

می‌شود، زن کرمانی دست پسر کوچک‌ترش را می‌گیرد و بعد به کمک پسرانش لنگ‌لنگان از عرض خیابان می‌گذرد. مرد دیگری از دفتر مرکز پذیرش گروه‌های هدف بیرون می‌آید. او هم پای راستش لنگ می‌زند. دستش را به دیوار می‌گیرد و خود را به زور به یک خودروی پارک‌شده در کنار کوچه می‌رساند. روی کاپوت خودرو لم می‌دهد، تلفن همراهش را از جیب شلوارش درمی‌آورد و تلفنی می‌زند. بلند پشت تلفن می‌گوید: «راهی نداره خانم، باید بچه‌ها را بیاوریم». مرد دچار معلولیت اهل تربت جام است و مشکلتش مشابه مشکل زن کرمانی. می‌گوید برای درمان دو پسرش پا به تهران گذاشته و الان که می‌خواهد به شهرش برگردد، آمده است بهزیستی تا بلیت برگشت را از اینجا تهیه کند اما کارمندان مرکز پذیرش به او گفته‌اند باید بچه‌هایش را به اینجا بیاورد. مرد تربت جامی اما می‌گوید هر دو بچه‌اش آسم دارند، به همین دلیل، هوای بیرون برایشان سم است و او ترجیح می‌دهد برای تهیه دو بلیت اتوبوس، بچه‌هایش را همه جا دنبال خودش نکشاند.

### هزینه سنگین درمان

دست پسرش را گرفته و از در بزرگ اتوماتیک وارد ساختمان اصلی سازمان بهزیستی

می‌شود. چشمان پسرک انحراف دارد و قرار است به زودی دوباره عمل شود اما پدرش پول عمل را ندارد و از ارومیه به اینجا آمده است تا کمکی از بهزیستی بگیرد. مرد ارومیه‌ای از کارمندان بخش اطلاعات سراغ واحد مددکاری را می‌گیرد. به آنها می‌گوید پسرش اکنون ۱۱ ساله است و شش سال پیش که یک‌بار چشمان پسرک در همان ارومیه جراحی شد، حدود چهار میلیون تومان هزینه برداشت. بعد هم آهی می‌کشد و ادامه می‌دهد: الان هم لابد هزینه جراحی سه برابر قبل شده، نشده؟ آن زمان هم هرچه از بهزیستی شهرمان پیگیری کردم، هیچ پولی برای کمک هزینه عمل به ما ندادند. مرد تعریف می‌کند هر دو چشم پسرش از کودکی انحراف داشته و هم انگشتانش بی‌حس بوده است، به همین دلیل پسرک از چهارسالگی تحت پوشش بهزیستی قرار داشته و اکنون نیز ماهانه صد هزار تومان از این سازمان مستمرا می‌گیرد. مبلغی که البته بسیار ناچیز است و از نظر پدر، نه این مستمرا اندک و نه پول بیمه هیچ‌کدام کفاف هزینه‌های درمان پسرش را نمی‌دهد. مرد ارومیه‌ای دست پسر بچه‌اش را می‌گیرد و وارد آسانسور می‌شود. پشت سر آنها یک پدر و پسر دیگر از آسانسور خارج می‌شوند. جای بخیه روی گردن پسر مشخص‌ترین نشانه اوست. پدرش می‌گوید که گردن

پسرش سه هفته پیش در بیمارستان شفا بیجاییان عمل شده. عملی که برای این مرد ایلامی حدود ۱۸ میلیون تومان هزینه داشته که البته توانسته ۹ میلیون تومان آن را از اداره مددکاری اجتماعی وزارت بهداشت دریافت کند.

### رنج بروکرایی

ساکن خرم‌آباد است و از همان دوران نوزادی هر دو پایش دچار معلولیت بوده و هیچ وقت نتوانسته روی پاهایش صاف بایستد. اما چند سالی است که رشته پرتاب نیزه جانبازان و معلولان را به طور جدی پیگیری می‌کند. او توضیح می‌دهد که چند وقتی است قوت یکی از پاهایش از بین رفته و احتیاج به عمل دارد و با این که مقام کشوری پرتاب نیزه دارد، اما هیچ‌کس پیگیری حل مشکل او نبوده تا این که بالاخره یکی از خیران شهرستان حاضر شده هزینه‌های درمانی‌اش را بپردازد. الان هم روی نیمکت پشت پنجره یکی از اتاق‌های مرکز پذیرش گروه‌های هدف نشسته و منتظر این است که کارمند مربوط وارد دفتر خود شود تا مجوز بستری در بیمارستان میلاد را از او بگیرد. تاکید می‌کند چهار روز است که برای گرفتن همین مجوز ساده بارها به این درو آن در زده و هنوز به نتیجه رسیده است؛ بعد هم ادامه می‌دهد: من که پولی از آنها نمی‌خواهم که این طور من را بازی می‌دهند. فقط هم به این خاطر اینجا آمده‌ام که بیمارستان نامه من را به اینجا زده است و قبول نکرده است که بدون موافقت بهزیستی کار من را انجام دهد. مشکل این مرد خرم‌آبادی با چند امضا و نامه‌نگاری ساده حل می‌شود.

همان‌طور که مشکل زن کرمانی و مرد تربت جامی هم با کمکی مساعدت کارمندان سازمان برطرف می‌شود؛ مساعدتی که البته ما چندان در میان کارمندان این سازمان ندیدیم. اما از بهزیستی که مراجعاتش از ضعیف‌ترین اقشار جامعه هستند، انتظار می‌رود چندان حل خرده مشکلات مددجویانش را به بروکرایی‌های اداری واگذار نکند. البته به نظر می‌رسد مشکل اصلی بهزیستی کمبود اعتبارات لازم برای حمایت از اقشار مختلف تحت پوشش است؛ مشکلی که باعث شده مستمرا ماهانه‌ای که این سازمان به مددجویانش می‌پردازد بسیار ناچیز باشد.

## زندگی +

چرخ‌های ویلچرش را با دو دست می‌گرداند و خودش را به گوشه‌ای از طبقه همکف ساختمان می‌کشاند. فارغ‌التحصیل مهندسی نرم‌افزار است و در بهزیستی کار می‌کند. می‌گوید به عنوان یک معلول کارمند بهزیستی مهم‌ترین مساله‌اش با این سازمان آن است که برخی مدیران با وجود آن که باید حامی افراد دارای توانیاب باشند، اما این قشر را درک نمی‌کنند. او توضیح می‌دهد با وجود این که شغلش پشت میزی است و توان فیزیکی هیچ تاثیری روی نوع کارش ندارد، اما خیلی وقت‌ها دیده است که مدیران این سازمان افرادی که شاید نصف او هم توانایی فنی نداشته‌اند، صرفاً به دلیل فیزیک بدنی سالم‌ترشان برای مشاغل بالاتر انتخاب کرده‌اند. این کارمند بهزیستی همچنین تعریف می‌کند، در سازمانی که حمایت از اقشار دارای معلولیت جزو اهداف اصلی تشکیل آن بوده است نیز افراد سالم معمولاً مزایای شغلی بیشتر دارند و زودتر می‌توانند از حالت قراردادی به کارمند رسمی سازمان تبدیل شوند. او می‌گوید: خودش بیش از ده سال است که به‌صورت قراردادی در این سازمان کار می‌کند، اما در این سال‌ها افراد سالم بسیاری را دیده است که با وجود سابقه پایین‌تر زودتر توانسته‌اند که وضعیت شغلی‌شان را تغییر دهند.

مرد دارای معلولیت وسط گفتن این حرف‌هاست که ناگهان همکارش از راه می‌رسد و می‌گوید، فلانی کار ضد عفونی کردن اتاق تمام شد، بوی غلیظ مواد شوینده هم خیلی کمتر شده، بیا برویم. او هم که می‌خواهد با عجله به محل کارش بازگردد، حرف‌هایش را خلاصه می‌کند و پیش از رفتن می‌گوید: خلاصه چیزی که می‌توانم درباره مشکلات توان‌یابان کارمند بهزیستی بگویم، این است که درک نشدن از سوی مردم عادی که از مشکلات ما خبر ندارند، درد خیلی کمتری دارد از این که می‌بینیم در خود سازمان بهزیستی یعنی مجموعه‌ای که کاملاً از مشکلات ما باخبر است، برخی مدیران اصلاً در ما را نمی‌فهمند.

## رنجش از درد درک نشدن

چرخ‌های ویلچرش را با دو دست می‌گرداند و خودش را به گوشه‌ای از طبقه همکف ساختمان می‌کشاند. فارغ‌التحصیل مهندسی نرم‌افزار است و در بهزیستی کار می‌کند. می‌گوید به عنوان یک معلول کارمند بهزیستی مهم‌ترین مساله‌اش با این سازمان آن است که برخی مدیران با وجود آن که باید حامی افراد دارای توانیاب باشند، اما این قشر را درک نمی‌کنند. او توضیح می‌دهد با وجود این که شغلش پشت میزی است و توان فیزیکی هیچ تاثیری روی نوع کارش ندارد، اما خیلی وقت‌ها دیده است که مدیران این سازمان افرادی که شاید نصف او هم توانایی فنی نداشته‌اند، صرفاً به دلیل فیزیک بدنی سالم‌ترشان برای مشاغل بالاتر انتخاب کرده‌اند. این کارمند بهزیستی همچنین تعریف می‌کند، در سازمانی که حمایت از اقشار دارای معلولیت جزو اهداف اصلی تشکیل آن بوده است نیز افراد سالم معمولاً مزایای شغلی بیشتر دارند و زودتر می‌توانند از حالت قراردادی به کارمند رسمی سازمان تبدیل شوند. او می‌گوید: خودش بیش از ده سال است که به‌صورت قراردادی در این سازمان کار می‌کند، اما در این سال‌ها افراد سالم بسیاری را دیده است که با وجود سابقه پایین‌تر زودتر توانسته‌اند که وضعیت شغلی‌شان را تغییر دهند.

مرد دارای معلولیت وسط گفتن این حرف‌هاست که ناگهان همکارش از راه می‌رسد و می‌گوید، فلانی کار ضد عفونی کردن اتاق تمام شد، بوی غلیظ مواد شوینده هم خیلی کمتر شده، بیا برویم. او هم که می‌خواهد با عجله به محل کارش بازگردد، حرف‌هایش را خلاصه می‌کند و پیش از رفتن می‌گوید: خلاصه چیزی که می‌توانم درباره مشکلات توان‌یابان کارمند بهزیستی بگویم، این است که درک نشدن از سوی مردم عادی که از مشکلات ما خبر ندارند، درد خیلی کمتری دارد از این که می‌بینیم در خود سازمان بهزیستی یعنی مجموعه‌ای که کاملاً از مشکلات ما باخبر است، برخی مدیران اصلاً در ما را نمی‌فهمند.



یادداشت: کریم محمدی مدیر پیشین بهزیستی شهرستان میانه

## راهبردهای اقتدار مدنی

مقوله بهزیستی و تأمین اجتماعی از برنامه‌ها و اهداف کلان کشورهاست و از مهم‌ترین شاخصه‌های توسعه به شمار می‌رود. به گونه‌ای که در این زمینه، براساس حقوق اولیه شهروندان در کشورهای مختلف قوانینی ویژه تصویب شده است. در کشور ما نیز دلیل توجه ویژه به این حوزه‌ها را می‌توان در تلقی آموزه‌های دینی از کرامت انسانی و دامنه وسیع حقوق انسانی در آموزه‌های اسلامی جست‌وجو کرد. موضوعی که در نظریات متفکران بزرگ ایرانی از جمله فارابی درباره اجتماع نیز آمده است و در بستر ظهور شهرها و تمدن‌های جدید نیز مقرراتی بر آن وضع شده است. بنابراین، ما باید برای رعایت کرامت انسان‌ها همچنان نظارت و دقتی ویژه به مقوله‌های بهزیستی و تأمین اجتماعی داشته باشیم که البته در قانون اساسی ما نیز روی این موارد تاکید خاصی شده است. اما متأسفانه در کشور ما کمبود منابع باعث می‌شود حاصل تلاش‌های قابل توجه دست‌اندرکاران این حوزه‌ها مغفول بماند و آمار و ارقام اعلام‌شده درباره فعالیت‌های این دو حوزه با شاخص‌های توسعه همخوانی مطلوبی نداشته باشد.

«بهزیستی و تأمین اجتماعی» به مفهوم سنتی‌اش از دیرباز در جوامع بشری وجود داشته است. علاوه بر آن که انسان‌ها با پیروزی از غرایز و عواطف انسانی به دستگیری نیازمندان به‌ویژه در حوزه خانوادگی و قبیله‌ای تمایل داشته‌اند، مکاتب الهی و فلسفی نیز انسان‌ها را به این امر دعوت کرده‌اند. با وجود این، شیوه‌های سنتی این دو حوزه، از نوع حمایتی است و حکومت‌ها وظیفه انتقال بسته‌های حمایتی به نیازمندان را به عهده می‌گیرند. همچنین باید توجه داشت شکل‌گیری رنسانس، به عنوان نهضتی فکری، هنری، اعتقادی، فرهنگی و سیاسی از سده ۱۵ تا ۱۷ میلادی در غرب، دستاوردهایی گسترده در زمینه بهزیستی و تأمین اجتماعی داشته است. گذار از اقتدارگرایی به اقتدار مدنی و گسترش خدمات از مصادیق تحول‌گرایی در جهان بوده است. از طرفی تضاد طبقاتی باعث شده دولتمردان در صدد هنجارسازی و متعادل کردن امور بین گروه‌های مختلف اجتماعی برآیند و تعارض‌ها را به تفاهم و ناهنجاری‌ها را به هنجارهای پویا و توسعه‌ای سوق دهند. در ادامه همین تلاش‌ها در سطح جهان بود که در ایران نیز ضرورت ایجاد سازمان‌های تأمین اجتماعی و بهزیستی احساس شد. سازمان‌هایی که در شرایط کنونی، خدماتشان به رغم تلاش بی‌وقفه دست‌اندرکاران آنها در شأن اقشار ضعیف جامعه نیست و برقراری حقوق روزانه ۶۰۰ هزار ریال برای کارگران با تورم افسارگسیخته فعلی همخوانی ندارد. امید است دولتمردان و نمایندگان مجلس شورای اسلامی بخواهند و بتوانند برای حل مشکلات اقشار مستضعف تصمیماتی عادلانه، خادسانه و در شأن کرامت انسانی آنها اتخاذ کنند.